

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۷

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۷/۱۱

صفحات: ۲۰۹-۱۸۵

شبکه‌های اجتماعی و درکی نوین از هویت انقلاب اسلامی

غفار زارعی*

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

عبدالصمد خسروی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

چکیده

شبکه‌های اجتماعی به عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر در سیاست معاصر شناخته می‌شوند. به همین دلیل، بررسی تغییرات سیاسی و اجتماعی بدون توجه به شبکه‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌ای اثرگذار و فراگیر امری ناقص به نظر می‌آید. فناوری اطلاعات از جمله اینترنت رواج گسترده‌ای در میان جامعه ایرانی دارد و از این جهت باعث شکل‌گیری گفتمانی نوین در عرصه سیاست و اجتماع شده است و یا اینکه تغییرات گسترده‌ای را در عرصه باورها و هنجارهای سیاسی پس از انقلاب اسلامی پدید آورده است. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که شبکه‌های اجتماعی چگونه و تا چه اندازه به درکی نوین از پدیده انقلاب اسلامی کمک می‌نمایند؟ در همین راستا، این فرضیه مطرح می‌شود که شبکه‌های اجتماعی به عنوان عاملانی هویت‌ساز پس از انقلاب اسلامی باعث دگردیسی در هویت‌سازی انقلاب شده‌اند. پژوهش حاضر از ایده ژوزف نای به عنوان چارچوب نظری بهره می‌برد که می‌تواند راهکارهایی برای درک نوین از هویت انقلاب اسلامی به ما ارائه دهد. همچنین، روش تحقیق حاضر کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است.

کلید واژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، انقلاب اسلامی، هویت، سیاست، جوزف نای.

* نویسنده مسئول، ایمیل: Ghafarzarei@yahoo.com

مقدمه

با فرا رسیدن عصر اطلاعات و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی، سبک‌های زندگی دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. شیوه‌های نوین ارتباطی با شکل‌دهی به مفاهیم سیاسی و اجتماعی زندگی روزمره افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از طرفی دیگر، خاصیت فرامرزی رسانه‌های نوین نظیر شبکه‌های ارتباطی و مجازی باعث شده تا اغلب فضاها، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زندگی فردی، سازمانی و خانوادگی دچار تغییراتی اساسی شود. همین تغییرات به نوبه خود باعث تغییر گفتمانی در عرصه سیاست نیز می‌شود و حتی ممکن است باعث تغییرات گسترده و تغییر سبک و شیوه زندگی سیاسی در یک جامعه شود. در همین راستا به نظر می‌رسد به دلیل استفاده گسترده جامعه ایرانی از شبکه‌های ارتباطی و همچنین گرایش گروه‌های اجتماعی نظیر جوانان، تحصیل‌کردگان و عناصر فکری و فرهنگی به شبکه‌های اجتماعی، می‌توان از ظهور عصر نوینی در جامعه ایرانی سخن گفت. این ظهور که به نوبه خود در دهه سوم و چهارم انقلاب توسط شبکه‌های مجازی شتاب بیشتری به خود گرفته، باعث ایجاد فرصت‌ها و چالش‌هایی برای انقلاب اسلامی ایران شده است. به هر روی می‌توان تحولات ناشی از فضای مجازی را نوعی "تغییر گفتمانی" نیز تلقی کرد. تغییری که باعث می‌شود در بسیاری از مفاهیم سیاسی رخنه کند؛ برخی از آن‌ها را دچار فراموشی کند؛ به برخی مفاهیم جان تازه‌ای ببخشد؛ برخی از آنان را از نو بسازد و حتی انقلابی نو بیافریند.

به نظر می‌رسد انقلاب‌ها نیز همانند سایر پدیده‌های اجتماعی دچار تغییر و دگردیسی می‌شوند و با گذشت زمان چه به صورت آشکار و نامحسوس چهره جدیدی پیدا می‌کنند. از این جهت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نباشد. این تغییرات مخصوصاً با پیدایش فناوری‌های نوین ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی نوظهور و آنچه فضای مجازی خوانده می‌شود، شتاب بیشتری به خود گرفته است. از طرفی دیگر می‌توان گفت در کنار آثار مثبتی که شبکه‌های اجتماعی مجازی در عرصه تغییرات هویتی برجای می‌گذارند، آثار منفی زیادی نیز به دنبال دارند. بنابراین چالش‌های ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی نیز مسأله هویت را در جمهوری اسلامی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسأله باعث شده تا موضوع شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی و آنچه در قالب رسانه‌های نوین ارتباطی مطرح می‌شود، به شکل گسترده‌ای وارد مباحث علمی و دانشگاهی گردد و ضرورت توجه به درک نوینی از هویت انقلاب اسلامی به یک موضوع جدی تبدیل شود.

ضرورت بحث حاضر از آن‌رو است که امروزه شبکه‌های اجتماعی به صورت قابل‌توجهی مسأله هویت را در ایران کنونی تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران بر اثر گسترش شبکه‌های اجتماعی با هویت‌های تازه‌ای روبرو شده که نیازمند بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تری است. در همین راستا سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که شبکه‌های اجتماعی تا چه اندازه درک نوینی از هویت انقلاب اسلامی را شکل داده‌اند؟ فرضیه مقاله این است که شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان رسانه‌ای اثرگذار و فراگیر، موجب تغییرات گسترده‌ای در هویت نوین از انقلاب اسلامی شده‌اند. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، تحلیلی-توصیفی و از نوع کیفی است. گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و فیش‌برداری انجام گرفته است.

۱. چارچوب نظری؛ نظریه قدرت نرم ژوزف نای

ژوزف نای^۱ به‌عنوان مبدع نظریه قدرت نرم^۲ در عصر جدید شناخته می‌شود. نظریه وی که در اواخر دهه ۸۰ میلادی و اوایل دهه ۹۰ در مقاله‌ای با عنوان "ماهیت متحول قدرت جهان"^۳ مطرح شد، توجه را از قدرت سخت به سمت قدرت نرم در عرصه سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها معطوف کرد. ایده نای توسط بسیاری از متفکران سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مخصوصاً سیاست داخلی و دیپلماسی عمومی از نظریه نای به‌عنوان مبنایی برای بسط راهبردهای خود بهره برده‌اند. نای که به‌عنوان نظریه‌پرداز نو لیبرال شناخته می‌شود، بیش از پیش نظریات خود را درباره وضعیت سیاست داخلی و خارجی ایالات‌متحده آمریکا تدوین کرده بود.

نای در بررسی‌های خود توجه زیادی به نقش رسانه و فرهنگ در شکل‌گیری هویت‌ها، باورها و هنجارهای سیاسی نشان داده بود. چه اینکه قدرت نرم از نظر وی، توسط رسانه‌ها و آنچه فرهنگ عمومی خوانده می‌شود، شکل می‌گیرد. وی بنیان‌گذار ایده قدرت نرم بود و بر این باور است که قدرت نرم باعث شکل‌گیری قدرت سخت می‌شود. مصداق چنین مواردی را می‌توان در اتحادیه اروپا بعد از جنگ جهانی دوم دید که منجر به افزایش قدرت سخت آمریکا

۱. Joseph S Nye

۲. Soft Power

۳. The Changing Nature of World power

شد. اما گاهی اوقات قدرت سخت و قدرت نرم می‌تواند تضاد داشته باشند و در جهت عکس هم عمل کنند. به عنوان مثال، در جنگ عراق، استفاده آمریکا از قدرت سخت، قدرت نرم این کشور را تضعیف کرد. بنابراین عبارت قدرت هوشمند طراحی شد تا نشان دهد که چگونه قدرت سخت و قدرت نرم می‌توانند با هم تعامل داشته باشند و یکدیگر را تقویت کنند (نای، ۱۳۹۰: ۵). بدین ترتیب قدرت نرم می‌تواند به عنوان مبنایی برای قدرتمند شدن دولت‌ها در عصر فراگیری رسانه‌ها به کار گرفته شود.

از نظر نای، فرهنگ یکی از عمده‌ترین منابع قدرت نرم در جهان امروز است. به عنوان مثال امروزه ایالات متحده آمریکا با داشتن بیشترین دانشجویان خارجی (بین‌المللی) که معمولاً با درک بهتری از ارزش‌ها و نهادهای آمریکایی به خانه باز می‌گردند، دارا بودن بیشترین مبادلات علمی و دانشگاهی و داشتن قریب به ۱۱ دانشگاه معتبر جهان در رده‌بندی ۱۱۱ دانشگاه برتر جهانی، داشتن بیشترین دانشجویان به نسبت جمعیت، داشتن بیشترین جوایز نوبل، در اختیار داشتن شرکت‌های مهم فیلم‌سازی جهان (هالیوود) به لحاظ کیفیت بیشترین قدرت نرم را در سطح جهانی به خود اختصاص داده است (نای، ۱۳۸۹: ۱۱۶). همچنین قدرت نرم به طرق گوناگونی که البته ناملموس هستند، شکل می‌گیرد و توسط جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی حاصل می‌شوند (Nye, ۲۰۰۲: ۶). جوزف نای تمثیل کیک لایه‌ای را برای ساختار جهانی نقل کرد که این لایه مرکب از بازیگران بسیار متعددی است که مرزهای ملی را به رسمیت نمی‌شناسند و در عین حال، تأثیری عمیق بر واحدهای سازمان‌یافته‌ای نظیر دولت-ملت‌ها که ادعای حاکمیت در سیاست جهان را دارند و ساکنین آن‌ها می‌گذارد. برجسته‌ترین نمونه در میان این بازیگران غیردولتی سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی هستند. نمونه‌های کمتر بارز، گروه‌های تروریستی چندملیتی و نهضت‌های ناسیونالیستی قومی می‌باشد (کگلی و ویتکف؛ ۱۳۸۲: ۲۷۳). به نظر می‌رسد رسانه‌های نوین نقش قابل توجهی در به هم پیوستن جنبش‌های جدید ایفا می‌کنند. گروه‌هایی که وابستگی انکارناپذیری به رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی دارند.

به طور کلی بر مبنای آنچه ژوزف نای مطرح می‌کند، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. قدرت نرم در سیاست بین‌المللی ناشی از عوامل نامشخص اما بسیار واقعی مانند ارزش‌های غالب، اعمال و سیاست‌های داخلی

و شیوه اداره روابط بین‌المللی است (نای، ۱۳۸۶: ۱۲۹). بی‌تردید در دورانی موسوم به عصر اطلاعات «رسانه» به‌عنوان حلقه‌ای واسط، کلیدی و مهم جهت توفیق در عرصه قدرت هوشمند شناخته می‌شود، زیرا کارویژه قدرت هوشمند، مدیریت افکار عمومی و پیشی گرفتن از سایر رقبا در بُعد تأثیرگذاری و اقناع افکار عمومی است و چنان چه تصمیم‌سازان بتوانند بین «رسانه» و قدرت هوشمند، ارتباط معقول و مؤثری ایجاد کنند قطعاً می‌توان از آن به‌عنوان عالی‌ترین ابزار برای تدوین استراتژی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت سود برد. امروزه کشورهایی در دنیا قدرتمند محسوب می‌شوند که علاوه بر تسلیحات نظامی و توان دفاعی، بتوانند اقناع بیشتری در دنیا از طریق رسانه ایجاد کنند. رسانه دیگر به‌عنوان تنها ابزار اطلاع‌رسانی صرف دیده نشده، بلکه به‌عنوان قدرتی غیرقابل انکار در متقاعد نمودن افکار عمومی مورد توجه واقع شده است (عطارزاده، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

نظریه ژوزف نای از این مزیت برخوردار است که قدرت سخت را نیز نادیده نمی‌گیرد. وی حتی معتقد است به کارگیری قدرت نرم در کنار قدرت سخت می‌تواند «قدرت هوشمند» بیافریند. به‌عنوان مثال، جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و جهانی می‌تواند با به کارگیری قدرت سخت (نظامی) و قدرت نرم (دیپلماسی عمومی) نوعی قدرت هوشمند پدید آورد. از این جهت، می‌توان قدرت هوشمند را گونه‌ای خودآگاهی نسبت به عدم کفایت قدرت سخت و البته نگاهی خودآگاهانه به میزان استفاده از قدرت سخت و قدرت نرم در کنار هم و ایجاد هماهنگی و یا هم‌افزایی بین این دو ساحت، قدرت معطوف به رسیدن به اهداف از سوی یک کشور دانست (نای، ۱۳۹۲: ۳۴). با این حال قدرت نرم و قدرت سخت تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و نای معتقد است در عصر فراگیری رسانه‌ها و ظهور شبکه‌های اجتماعی، قدرت نرم به شکل مطلوب‌تری می‌تواند قدرت یک کشور را فزونی بخشد. به بیان وی، قدرت نرم بیش از قدرت سخت تحت تأثیر اراده تفسیرکنندگان و دریافت‌کنندگان قرار دارد (Nye, ۲۰۰۴: ۱۶).

۲. روش تحقیق

روش این نوشتار کیفی و استنباطی است و به همین دلیل جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به روش اسنادی و فیش‌برداری انجام شده است. اساساً روش‌های کیفی درجایی مناسب است که هدف پژوهش کشف تجارب ذهنی انسان‌ها و معانی‌ای است که آنان به این تجارب نسبت

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

می‌دهند (دیواین، ۱۳۹۰: ۲۲۷). روش‌های کیفی با بهره‌گیری از دو متغیر و با روشی علمی و جمع‌آوری اطلاعات تأثیر یکی را بر دیگری بررسی می‌کند و در نهایت ایده‌های فارغ از سوگیری و جهت‌گیری‌های غیرعلمی ارائه می‌دهد. به همین دلیل در پژوهش حاضر دو متغیر شبکه‌های اجتماعی و تأثیر و تأثر آنها از یکدیگر مورد بررسی واقع می‌شوند.

۳. شبکه‌های اجتماعی نوین و نقش آنان در سیاست معاصر

شبکه‌های اجتماعی گونه‌ای جدید از رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که امکان برقراری ارتباط را به صورت تعاملی برقرار می‌سازند. به طور خاص شبکه‌های اجتماعی را گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که امکان دستیابی به نحوه جدیدی از برقراری ارتباط، تبادل اطلاعات و به اشتراک‌گذاری محتوا در اینترنت را فراهم آورده‌اند (کاوسی و کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). به نظر می‌رسد با کاهش قیمت ابزارهای نوین ارتباطی، افراد همزمان چند رسانه و وسیله ارتباطی استفاده می‌کنند. با استفاده از ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای هر فرد آماتور نیز یک رسانه خواهد بود که می‌تواند تمام لحظات زندگی را ضبط نموده و خود نیز آنها را منتشر و در اختیار دیگران قرار دهد. هرچند گزارش‌های جرائم اینترنتی و عوارض فردی و اجتماعی اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی نگرانی‌هایی را به وجود آورده است و مردم همچنان علاقه به حفظ حریم خصوصی خواهند داشت. به علت حضور آنها، ارتباط کلامی در خانواده‌ها کم می‌شود و حتی در کنار همبستگی‌های اجتماعی مبتنی بر ارتباطات میان فردی، شبکه‌های مجازی نیز نقش بازی خواهند کرد. به واسطه قابلیت حمل و تحرک این ابزارها مرز بین کار، زندگی و تفریح و سرگرمی از بین رفته و در هر کدام از این محدوده‌ها می‌توان فعالیت دیگر را نیز انجام داد (روشندل اربطانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۴).

شبکه‌های اجتماعی برحسب هدف راه‌اندازی و موضوع فعالیت خود امکانات متنوعی علاوه بر امکانات عمومی مانند اضافه کردن دوستان، به اشتراک‌گذاری متن، تصویر و فایل‌های چندرسانه‌ای و سیستم ارسال پیام در اختیار کاربران قرار می‌دهند، امکانات و ویژگی‌هایی نظیر خبرخوان، بازی‌های آنلاین، تماشای فیلم، ارتباط با سایر رسانه‌ها، ارتباط با دستگاه‌های قابل حمل نظیر موبایل و تبلت و نظایر اینها کاربران این شبکه‌ها را از مراجعه به چندین سایت بازداشته و احتیاجات و نیازمندی‌های اطلاعاتی، ارتباطی و تفریحی مختلفی از ایشان را پوشش می‌دهند؛ نتیجه آن گرایش به شبکه‌های اجتماعی رشدی روزافزون دارد (کفاشی و فلاحی،

۱۳۹۳: ۷). این امکانات به نوبه خود شرایط منحصر به فردی برای گروه‌های اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد تا در چارچوب آن به پیگیری منافع، اهداف و مطالبات خود بپردازند. این موضوع شامل بازیگران دولتی و غیردولتی نیز می‌شود.

شبکه‌های اجتماعی نقش انکارناپذیری در سیاست معاصر دارند. تا جایی که جنبش‌های جدید شکل‌گیری خود را مدیون رسانه‌های نوین هستند و به شدت به رسانه‌های جمعی متکی‌اند و از طریق آنها درخواست‌هایشان را مطرح می‌کنند (نش، ۱۳۸۹: ۱۳۲). همچنین قدرت رسانه‌ها از نظر بودیاریار به دیوارهای اهریمنی تصاویری می‌مانند که همیشه حاضرند و علت و معلول روح زمانه پست‌مدرن می‌باشند (بودیاریار، ۱۳۸۹: ۱۲۳). به عبارتی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نوظهور شاکله نظم پسامدرن و جنبش‌های نوین اجتماعی را شکل می‌دهند که دائماً با گرایش‌های نسبی‌گرایانه به مسائل اجتماعی و سیاسی جدید دامن می‌زنند و حتی قدرت دولت‌ها را به چالش می‌کشند.

رسانه‌ها از جهتی دیگر موجد تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای در عصر حاضر شده‌اند. بر کسی پوشیده نیست که انقلاب‌های رنگی در شرق اروپا و آسیای مرکزی بیش از هر چیز تحت تأثیر رسانه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی بوده است. پدیده‌ای که از آن با عنوان «انقلاب رنگی» یاد می‌شود و البته رسانه‌ها شاکله این تغییرات محسوب می‌شوند. حتی رسانه‌های نوین در برخی انقلاب‌های رنگی در آسیا و آفریقا نقش بسزایی داشتند (Kimberly, ۲۰۰۴: ۳۸). از سوی دیگر، رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، یاری‌بخش دموکراسی و نابودکننده دیکتاتوری و خشونت هستند. چه این‌که در کنار مزایای رسانه‌ها در گردش اطلاعات و بسط دموکراسی، لبه تیغ و خطرناکی نیز به همراه خود دارند. این لبه تیغ در عرصه سیاست به ظهور گروه‌های تروریستی اختصاص دارد که گسترش و فراگیری خود را مدیون رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نوین هستند.

شبکه‌های اجتماعی در برخی مناطق از جمله خاورمیانه باعث رواج بیشتر تروریسم و حتی جهانی‌شدن این پدیده شده‌اند. به طوری که با تروریست‌ها با بهره‌گیری از رسانه‌ها، در آن سوی مرزهای خاورمیانه به آموزش و عضوگیری تروریست‌ها می‌پردازند و در مدت کوتاهی حادثه‌ای تروریستی می‌آفرینند و باز از طریق همین شبکه‌های اجتماعی مسؤلیت آن را برعهده می‌گیرند. حتی تروریست‌ها می‌توانند با جلب نظر هم‌پیمانان خود در آن سوی مرزها و برقراری ارتباط با شبکه‌های مالی، اقدامات دلخواه خود را انجام دهند و حتی سازماندهی کنند (کوان و اسچاب،

۲۰۰۶: ۲۳۶). بنابراین باید گفت شبکه‌های اجتماعی از جهتی دیگر نیز بر سیاست معاصر اثرگذار هستند. چنان چه درباره القاعده و از قول رهبران سرشناس آن‌ها نظیر ایمن الظواهری گفته می‌شود که دسترسی آسان جوانان به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت سبب شده تا از لحاظ فکری، در مقایسه با سلفی‌های دو یا سه دهه قبل، نسلی منسجم‌تر و البته رادیکال‌تر شوند (گرو، ۲۰۱۵: ۲۷).

از این جهت مهمترین ویژگی جهانی‌شدن که از قضا یکی از محورهای بحث در پژوهش حاضر را شامل می‌شود، انقلاب فناوری است. این انقلاب، همگرایی فزایندهٔ رهیافت‌ها و فناوری‌های خاص است که در درون یک سیستم نوین و منسجم قرار می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۲). همچنین باعث تغییر و دگردیسی در بسیاری از پدیده‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی می‌شود و شکل تازه‌ای از زیست سیاسی را پدید می‌آورد. ضمن اینکه همین فرصت خلق شده توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی باعث شده تا برخی نظریه‌پردازان، جامعه مطلوب خود را با تکیه بر آن شکل دهند. یکی از این نظریه‌پردازان یورگن هابرماس^۱ است که نظریه‌کنش ارتباطی را مطرح کرده است. نظریه هابرماس با بهره‌گیری از رسانه‌ها به دنبال جامعه مطلوبی است که زور و اجبار در آن جایی نداشته باشد و رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری ارتباطی، باعث شکل‌گیری گروه‌هایی برابر شوند که به گفت‌وگو و شور با یکدیگر بپردازند. این کار نیز از طریق ارتباط کلامی صورت می‌پذیرد. بنابراین در دموکراسی ارتباطی، هدف شرکت‌کنندگان از حضور در بحث، دستیابی به راه‌حلی برای درک مشکلات جمعی جهت رسیدن به خود هدف است (young, ۱۹۹۶: ۱۳۱).

از آنجا که رسانه‌ها به اولین پایگاه و وسیله مبادلات جهانی صور نمادین در جهان مدرن تبدیل شده‌اند، شکل و محتوای دانش ما به‌صورت فزاینده متکی به نهادها و سازوکارهای ارتباطات جمعی شده است (پک، ۱۳۸۹: ۲۹۰-۲۸۹). برخی معتقدند که رسانه‌ها با شکستن مرزها و فاصله میان مردم و کشورها، در حال خلق یک خانوادهٔ جهانی‌اند که در آن اختلاف‌نظرها جای خود را به چیزی می‌دهد که همه به طور مشترک دارند و از آن استفاده می‌کنند. مارشال مک‌لوهان برای توصیف چنین پدیده‌ای عبارت «دهکده جهانی» را باب کرد (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۲۳۳-۲۳۴). به هر حال رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به عنوان شکل متأخر

۱. Jurgen Habermas

برقراری ارتباط در سطح جهان به شکل قابل توجهی بر پدیده‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این ویژگی باعث شده تا برخی چالش‌ها و فرصت‌ها در این زمینه پدید آید و حتی چشم‌اندازی برای جامعه مطلوب جهانی ترسیم شود. به هر جهت، به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برای پدیده‌های سیاسی از جمله انقلاب‌ها پدید آورده است که در این بحث بدان پرداخته می‌شود.

۴. انقلاب اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها در عصر رسانه

چنانچه بیان شد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر معاصر هستند. این جدایی‌ناپذیری حتی باعث ظهور مذهب و جنبش‌های مذهبی در سراسر جهان نیز شده است. انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از پدیده‌هایی است که در فضایی کاملاً مدرن پدید آمده است. شکل اخیر این تغییرات در پی خیزش‌های عربی-اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است که به رشد اسلام‌گرایی در منطقه کمک نموده است. به تعبیری باید گفت در چشم‌اندازی وسیع، مردم مایل نیستند به رسانه از چشم‌انداز و منظری نگاه کنند که به واسطه فرهنگ‌پذیری آن‌ها در سایر حوزه‌های اجتماعی توسعه یافته است و می‌یابد. رسانه‌ها به خودی خود و نیز در مقام نهاد، بسیار گسترده‌اند و تبدیل به اجزاء اجتناب‌ناپذیر زندگی و فرهنگ مردم شده‌اند و ما اینک به تمام گروه‌های اجتماعی (از جمله مذهبی‌ها) از منظر فرهنگ‌پذیری به رسانه‌ها توجه نشان می‌دهیم (هورسفیلد، ۱۳۸۹: ۲۲۲). بنابراین انقلاب اسلامی به عنوان یک جریان گسترده و عظیم مذهبی به خوبی نشان داده است که بهره‌گیری از رسانه‌های نوین تا چه اندازه می‌تواند به تقویت و گسترش فرهنگ مذهبی در جامعه کمک نماید. برخی از این پدیده تحت عنوان جامعه‌پذیری سیاسی نیز نام می‌برند. در این فرآیند، ارزش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم از طریق خانواده، نظام آموزشی، مذهب، رسانه‌های جمعی و حاکمیت به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود (Heywood, ۱۹۹۷: ۱۸۶). بنابراین انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده‌ای نوظهور هم در مقام شکل‌گیری و هم در مقام تداوم، انقلابی مدرن و متکی بر رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی نوین است و بالطبع تغییرات کنونی آن نیز نمی‌تواند به اشکال متأخر رسانه‌ها بی‌توجه باشد.

به هر حال باید گفت انقلاب اسلامی ایران با متحول‌سازی محیط بین‌الملل از رهگذر تحول و دگرگونی در افکار و اذهان و فراهم ساختن شرایط ذهنی برای تغییر قواعد و هنجارهای

بین‌المللی توانست با تفکرات رهایی‌بخش خود نظام سلطه را زیر سؤال ببرد و پیام سیاسی اندیشه استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و راهبرد نه شرقی نه غربی را برای جهانیان آشکار سازد. انقلاب اسلامی ایران نه تنها با چالش فکری و سیاسی با غرب مبادرت ورزید که توانست با اتکاء به قدرت نرم‌افزاری خود و بازتعریف نسبت نوین از معنویت و سیاست، الگوی روش زندگی و مدل جدید اجتماعی جایگزین را نمایان سازد (حسینی و مبینی، ۱۳۹۲: ۵۲). حتی گفته می‌شود انقلاب اسلامی ایران اصولاً بر پایه ایجاد شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت که به‌وسیله اعتماد متقابل با یکدیگر به هدف رضای خدا و ایجاد حکومت اسلامی همکاری می‌کردند. امام خمینی(ره)، به عنوان مؤثرترین شخصیت انقلابی بر رضا و توکل به خداوند متعال تأکید بسیار داشت. ایشان علت اصلی انقلاب را انقلاب درونی و معنوی مردم و توجه آن‌ها به اسلام ناب معرفی می‌کردند و انقلاب را معلول این می‌دانند که افراد جامعه از آن حالت سابق به یک حالت اسلامی برگشتند. به‌واسطه همین نور معنویت بود که مردم با هم احساس مهر و عطوفت می‌کردند، تا بدان جا به هم اعتماد و اتکا داشتند که حتی قوی‌ترین سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی نظیر ساواک نیز نمی‌توانستند در این شبکه‌های مردمی رخنه و نفوذ کنند (آدمی، ۱۳۹۶: ۷۷).

افزون بر این، انقلاب اسلامی با تشویق بهره‌گیری از فنون جدید ارتباطی و منابع نوین اطلاعاتی و رسانه‌ای، توانست به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تبیین اصول دینی و ارزشی و تقویت فضای عمومی یا جامعه مدنی اسلامی و ارتقای آگاهی‌های دینی و سیاسی جهان اسلام مبادرت ورزد و با تقویت مبانی حوزه استدلال و تولید فکر و اندیشه، تشویق رابطه متقابل و همه‌جانبه مسلمان با یکدیگر مشوق اصلی بازسازی تمدن اسلامی براساس مفهوم‌سازی و هنجارسازی با تکیه بر ظرفیت‌های خودی و درونی و استفاده از الگوهای دینی و بومی جوامع مسلمان قلمداد گردد. موفقیت ایران در محیط پیرامونی خود از جمله در پایبندی به آرمان راستین فلسطین و دشمنی سنجیده، منطقی و ارزشی با رژیم صهیونیستی نیز برآمده از قدرت معنویت و ترکیب آن با قدرت سخت‌افزاری است. این ترکیب که نشان از مؤلفه‌های قدرت هوشمند در ایران است، با انقلاب اسلامی تبلور یافت و در هشت سال دفاع مقدس خود را پرورش داد. جنگ هشت‌ساله ایران با رژیم بعث عراق، نشان داد که تک‌بعدی بودن قدرت نمی‌تواند عنصری توان‌بخش و کافی در عرصه جهانی باشد. چنانکه رژیم بعث عراق با تأکید صرف بر قدرت سخت‌افزاری خود، نتوانست موجودیت خود را استحکام ببخشد. ترکیب موزون و

هوشمند قدرت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در ایران، پایگاه‌های عقیدتی کشور را در میان کشورهای منطقه افزایش داده است. توان بازیگری ایران در عراق و کارگزار هوشمند آن در لبنان (حزب‌الله) نشان از آن دارد که نفوذ منطقه‌ای ایران برآمده از یک ترکیب قدرتمند است و می‌تواند به صورت توأم، به اقلان فکری و عملی ملت‌های مسلمان بپردازد (خرمشاد و متقی، ۱۳۹۵: ۳۹).

به نظر می‌رسد درک گفتمان انقلاب اسلامی در دهه چهارم انقلاب می‌تواند با توجه به نمادهای فراگیر انقلاب نظیر عدالت‌طلبی، مبارزه با ظلم و استکبار و احیای اسلام سیاسی در ابعاد اخلاقی و انسانی تداوم یابد. چنانچه این ظرفیت‌ها در درون گفتمان انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی(ره) قابل استناد است. به طوری که امام خمینی (ره)، به عنوان کنشگر بیداری اسلامی تلاش می‌کند موقعیت‌های جدیدی در چارچوب هژمونی گفتمانی نسبت به سوژه‌ها که همان مردم مسلمان و دولت‌ها هستند ایجاد نماید و به همین روی دو نماد و روز را به‌عنوان روزهای مبارزه منسجم مسلمانان جهان علیه استکبار جهانی به وجود می‌کند که روز براءت از مشرکین در عرفات و روز قدس به عنوان سمبل‌های مبارزاتی شکل گرفت و البته با استقبال مردم مسلمان سراسر جهان مواجه شد و از این منظر می‌توان گفت گفتمان امام خمینی توانست به استیلا و هژمونی گفتمانی دست یابد (اطهری و عباسی شاهکوه، ۱۳۹۳: ۲۸). به هر حال، انقلاب اسلامی ایران که به مدد رسانه‌های سنتی نظیر مسجد و مکان‌های مذهبی رشد و گسترش یافته بود، بلافاصله به اهمیت رسانه‌های نوین در اشاعه پیام انقلاب پی برد. به همین دلیل پس از انقلاب، امام خمینی (ره)، توجه زیادی به وظیفه خطیر رسانه‌های جدید نشان داده بود. ایشان در موارد متعددی آسیب‌ها و فرصت‌های ناشی از رسانه‌های نوین را گوشزد می‌کردند و در این زمینه بیان می‌کنند:

«مطبوعات مال عموم مردم است... آنچه خوب است در رادیو و تلویزیون و مطبوعات باشد آن است که برای کشور اثری داشته باشد؛ مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود شما این شخص را به‌جای مقامات کشور در صفحه اول بگذارید و زیرش بنویسید این زارع چگونه بوده است» (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ۲۱۵). بدین ترتیب روشن می‌شود تداوم انقلاب اسلامی در گرو بهره‌گیری مناسب و بجا از رسانه‌هاست و اگر هویت به‌عنوان مبنایی برای تداوم انقلاب اسلامی تلقی شود، نقش رسانه‌ها در ساختن این هویت بسی انکارناپذیر است. همین موضوع نیز باعث شده تا بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بر مسأله هویت و تربیت نسل جدید

در رسانه‌ها تأکید بسیار کنند و از همه رسانه‌ها بخواهند که این مقوله را با حساسیت هرچه بیشتر دنبال کنند. وی در این زمینه بیان می‌دارد:

«رسانه‌های گروهی به‌ویژه صدا و سیما... از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند. ملت عزیز در طول پنجاه سال سیاه‌خیز آخر گرفتار مجلات و روزنامه‌های تخریب‌کننده و فاسدکننده نسل جوان و از آن‌ها بدتر سینماها و رادیو-تلویزیون بود که با برنامه‌های خود، ملت را به حد وافر در آغوش غرب و غرب‌زده‌ها غلتانید. ضررهای رسانه‌های گروهی از خرابی‌های توپ، تانک‌ها و سلاح‌های مخرب بالاتر و بدتر است؛ چه که ضررهای سلاح‌ها، گذرا است و ضررهای فرهنگی، باقی و به نسل‌های بعد انتقال پیدا می‌کند. اگر به طور قاطع با آنان برخورد نشود، خطر ولو در درازمدت، کشور را تهدید می‌کند و سهل‌انگاری در این امور، ساده‌اندیشی است» (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ۱۵۹).

بدین ترتیب باید گفت فضای رسانه‌ای نوین هم نوعی تهدید و هم فرصت محسوب می‌شوند. از این جهت، شکل‌گیری هویت اسلامی و انقلابی نیازمند بهره‌گیری صحیح از رسانه‌ها و تربیت آحاد جامعه است. پرورش هویت‌های اسلامی می‌تواند نوعی قدرت نرم محسوب شود که در نهایت به وسیله رسانه‌ها نیز حاصل می‌شود. بدین لحاظ تقویت عناصر مقتدر هویت فرهنگی در ایران می‌تواند با توجه به فرصت‌های ایجادشده بر اثر جهانی‌شدن و فرهنگ جهانی شده، راهکار مناسبی برای ارتقای قدرت نرم ایران در صحنه‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی باشد. بنابراین اگر جمهوری اسلامی بتواند از ظرفیت بسیار غنی دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی خود برای جلب توجه افکار عمومی جهان، به توانمندی ذاتی خود استفاده نماید، بهترین فرصت برای گسترش مؤلفه‌های قدرت نرم ایران فراهم خواهد شد. در این صورت فرصت‌سازی از مؤلفه‌های قدرت نرم می‌تواند به افزایش مشروعیت جمهوری اسلامی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر گردد (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۹۱). همچنین تکیه بر هویت‌سازی می‌تواند به تغییر رفتارها، انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای رفتاری منجر گردد که هویت‌های انقلابی را به شکل جدیدی بازتولید می‌کند.

به نظر می‌رسد گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند به عنوان جریانی اثرگذار به شکل‌گیری هویت‌های جدید منجر شود. این امر مستلزم درک موقعیت‌های جدید در منطقه، جهان و فضای

شبکه‌های اجتماعی و درکی نوین از هویت انقلاب اسلامی ۵

داخلی جامعه ایرانی است که به خلق موقعیت‌های جدید برای هویت جدید یاری رساند. انتقال مفاهیمی مانند استقلال طلبی، استکبارستیزی و بسط عدالت‌طلبی در شبکه‌های اجتماعی و سازگار کردن این مفاهیم با نیازهای روز جامعه ایرانی می‌تواند به خلق هویت جدیدی منجر شود. چنانچه امام خمینی مسأله هویت اسلامی را مهمترین وظیفه رسانه‌ها تلقی می‌کرد و بر این باور بود که رسانه‌های خارجی و استعماری هرگز نمی‌توانند هویتی مستقل برای جامعه اسلامی ما تولید کنند. ایشان در این زمینه بیان می‌کنند:

«فیلم‌هایی که از خارج به ایران می‌آیند، اکثراً استعماری است. لذا فیلم‌های خارجی استعماری را حذف کنید، مگر صددرصد صحیح باشد، در هر صورت، این بر عهده شما و مسؤولین آنجاست». (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ج ۱۲، ۲۹۲). این موضوع نشان می‌دهد که هویت‌سازی اسلامی توسط رسانه‌ها مورد توجه بنیان‌گذار انقلاب بود و انحراف از این مسأله را انحراف در رسیدن به انقلاب تلقی می‌کردند. به نظر می‌رسد این وظیفه امروزه بیش از پیش مهم و حیاتی است. به تعبیر ایشان:

«ما اگر این دستگاه که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهی‌ها، چیزهایی که جوان‌های ما را به تباهی کشید و می‌کشد، حذف شود و به‌جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان‌های ما می‌خورد و جوان‌های ما تربیت می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ج ۹، ۴۵۶).

۵. آینده هویتی انقلاب اسلامی در عصر فراگیری رسانه و شبکه‌های

اجتماعی

انقلاب اسلامی ایران در دهه چهارم خود با امکانات، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی روبرو شده است که مهمترین جنبه آن گسترش شبکه‌های اجتماعی در بین مردم جامعه است. طبق آخرین آماري که پژوهشگر از سایت الکسا استخراج کرده شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی بیشترین سهم را برای استفاده کاربران ایرانی به خود اختصاص داده است که رتبه اول مربوط به اینستاگرام است. اگرچه رتبه تویتر و فیس‌بوک در ایران در اولویت‌های آخر قرار گرفته اما این بدان معنی نیست که این شبکه‌های اجتماعی با ریزش کاربر در ایران مواجه شده باشد، بلکه سایت الکسا با توجه به آی پی کاربران به ارزیابی کشورها می‌پردازد و از آنجا که این دو

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

شبکه اجتماعی مذکور در کشور فیلتر هستند و کاربران مجبور به استفاده از فیلترشکن هستند. با این وجود همان گونه که مشخص است شبکه‌های اجتماعی مجازی داخلی در ایران از استقبال زیادی برخوردار نیستند (ساروخانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۹).

شواهد موجود نشان می‌دهند که امروزه بیش از ۵۰ میلیون ایرانی در شبکه‌های اجتماعی فعالیت دارند و از امکانات متنوع آن استفاده می‌کنند. این موضوع به شکلی گسترده بر مسأله هویت و هویت‌یابی در میان آحاد جامعه تأثیر می‌گذارد. هرچند گسترش شبکه‌های اجتماعی تا اندازه‌ای توانست به گسترش هرچه بیشتر هویت ایرانی-اسلامی کمک نماید، اما برخی تحقیقات نشان می‌دهند که هر مقدار میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و مدت زمان عضویت در شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، هویت ملی آنان کمتر می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش مدت زمانی که فرد به عضویت در شبکه‌های درآمده است، و همچنین بالا رفتن زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در طی شبانه‌روز باعث می‌شود تا هویت ملی افراد به مخاطره افتاده و میزان آن کاهش یابد (رهبرقاسی و ایمانیان‌مفرد، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۱۲۷). از این جهت، نیازمند آن هستیم تا با بازتولید کردن مفاهیم اسلامی و انقلابی در شبکه‌های اجتماعی، هویتی نوین برای نسل جدید بیافرینیم که در چارچوب آن رشد هویت‌های انقلابی را اشکال جدید مشاهده کنیم. به نظر می‌رسد این انتظار با توجه به ماهیت نرم‌افزاری و فرهنگی انقلاب اسلامی قابل حصول است.

می‌توان گفت امروزه علیرغم فراز و نشیب زیادی که هویت ایرانی-اسلامی پشت سر گذاشته است، با توسعه سریع ارتباطات، حفظ و تقویت هویت برای امنیت فرهنگی و تحقق تمدن نوین اسلامی-ایرانی چالشی مستمر خواهد بود (محرمی، ۱۳۹۷: ۸۱). بنابراین می‌بایست به دنبال نوعی قدرت هوشمند باشیم که در اندیشه جوزف نای به تفصیل بیان شد. این قدرت می‌تواند توان سخت‌افزاری ما را به توان نرم‌افزاری (گفتمان انقلاب اسلامی) پیوند زند و هویت نوینی بیافریند. چنانچه در حیطه ارتباط مشروعیت با قدرت هوشمند می‌توان گفت، قدرت هوشمند به تفهیم استراتژی و اهداف می‌پردازد (Futoui, ۲۰۱۰: ۷۶). با تسامح اگر بتوان ایده‌های بنیان‌گذار انقلاب اسلامی درباره رسانه‌ها را به شبکه‌های اجتماعی نیز تعمیم دهیم، گفتمان انقلاب اسلامی از جهات متعددی می‌تواند مکمل قدرت سخت نیز تلقی شود. از این رو، شکل‌گیری و تربیت هویت اسلامی در رأس برنامه‌ها و اهداف رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. چنانچه امام خمینی بیان می‌کنند:

«مطبوعات، سینما، تلویزیون، رادیو و مجله‌ها، همه این‌ها برای خدمت به یک کشور است. این‌ها باید در خدمت باشند، نه اینکه هرکس پا شود و یک مجله‌ای درست کند و هر چه دلش بخواهد، در آن باشد و هر عکس بهتری داشته باشد، توی آن بیندازد. عکس‌های مهیج، عکس‌های مهوع در آن بیندازد که مشتری‌هایش زیاد بشود. آن وقت اسمش مطبوعات است و - عرض می‌کنم - صاحب قلم است و آزادی هم می‌خواهد! باید دید تو چه می‌کنی، چه خدمتی داری به این مملکت می‌کنی، با قلمت داری چه می‌کنی؟ با قلمت بچه‌های ما را داری به باد فنا می‌دهی یا تربیت می‌کنی؟». (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ج ۸، ص ۲۳). به هر حال با پیروی از گفتمان انقلاب اسلامی و رهنمودهای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی می‌توان چند راهکار در زمینه آینده هویتی انقلاب اسلامی در عصر شبکه‌های اجتماعی بیان کرد:

۱-۵. راه‌اندازی کانال‌های گفتگوی بینا فرهنگی

در این زمینه با تکیه بر فرهنگ متکثر اقوام و زبانی در ایران می‌توان از رسانه‌های محلی و فعال در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی حمایت کرد و فرهنگ‌های قومی و زبانی را با فرهنگ ملی مرتبط و همگون ساخت. چه این که انقلاب به مثابه تلاشی برای بازجست هویت و عزت ملی از دست رفته ایران آغاز شد (رجایی، ۱۳۸۸: ۹۲). به نظر می‌رسد این ظرفیت فراگیر انقلاب می‌تواند اغلب گروه‌ها، اقوام و زبان‌ها را در خود پرورش دهد. فضای شکل گرفته شده توسط شبکه‌های اجتماعی می‌تواند فرصت مغتنمی برای تعامل فرهنگ‌های قومی با فرهنگ ملی تلقی شود.

چنانچه می‌دانیم بنابراین انقلاب اسلامی نوعی تعریف جدید از هویت بود و بر ارزش‌ها، انگاره‌ها در چارچوب فرهنگ دینی اهمیت می‌داد و اعتقاد داشت که آنچه روح جمعی یک ملت را بر می‌سازد، نه تنها قواعد مادی و سرمایه‌داری است، بلکه از آن مهمتر، اتکای یک ملت بر ارزش‌ها و هویت دینی خود است (خرمشاد و متقی، ۱۳۹۵: ۳۷). در این زمینه، امام حتی با وجود پذیرش فقه شیعی به عنوان مبنای اصلی حکومت‌داری، سایر دیدگاه‌ها را نادیده نمی‌گرفت و به بازتولید اندیشه‌ها در چارچوب انتقاد سازنده و حفظ هویت جمعی جامعه اسلامی اعتقاد داشت. چنانچه به صراحت بیان می‌دارند:

«تا شنیدی فلان حکیم، یا فلان عارف، یا فلان مرتاض چیزی می‌گفت که به سلیقه شما درست نمی‌آمد، با ذائقه شما سازگار نیست، حمل به باطل و خیال مکن. شاید آن مطلب منشأ

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

داشته باشد از کتاب و سنت و عقل و شما به آن برنخورده باشید». (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۱۳). امام حتی با فراروی از دیدگاه‌های مخالف در باب سنت پذیرفته‌شده جامعه اسلامی، حکم به تعامل علمی و مبادله افکار غرب با شرق را می‌دهد و ما را به آموختن هرچه بیشتر دعوت می‌کند. چنانچه در این باب می‌فرماید: «فلاسفه غرب الآن هم محتاج این هستند که از فلاسفه شرق یاد بگیرند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۳۹۴). به نظر می‌رسد استفاده از این ظرفیت‌های بزرگ توسط شبکه‌های اجتماعی می‌تواند هویت نوینی بیافریند که در عین تعلق به فرهنگ ملی و اسلامی از تنوع و تازگی نیز برخوردار باشد.

۲-۵. تبلیغ ارزش‌های انسانی و انقلابی

اگرچه به علت غلبه ابعاد دیگر شبکه‌های اجتماعی مجازی، بُعد ارزشی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اما به جرأت می‌توان گفت که یکی از قابلیت‌های که تاکنون مورد غفلت واقع شده، فراهم کردن فضایی بین‌المللی برای تبلیغ و اشاعه ارزش‌های دینی، اعتقادی، انسانی و اخلاقی است. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی افرادی هستند که در صورت تبلیغ صحیح ارزش‌های اخلاقی و انسانی، از آن استقبال کرده و تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (محکم‌کار و حلاج، ۱۳۹۳: ۷۹). به نظر می‌رسد این ظرفیت می‌تواند برای اشاعه ارزش‌های انقلابی در منطقه توسط نسل چهارم انقلاب مفید واقع شود. راه‌اندازی کانال‌های پیام‌رسان در منطقه و تعامل با کشورهایی که همسویی قابل توجهی با انقلاب اسلامی ایران دارند، می‌تواند به تبلیغ و اشاعه ارزش‌های انقلابی کمک کند. چه این که هدف اصلی سیاست خارجی ایران، از همان آغاز به کار حکومت جدید، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف، در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۴۷).

یکی از مهمترین مزایای بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی، عدم تبعیت از محدودیت‌های جغرافیایی حاکم در دنیای واقعی است. این مزیت، موجب می‌شود که کاربران بتوانند دامنه گسترده‌ای از ارتباطات اجتماعی را پدید آورند. در حقیقت، امروز شبکه‌های مجازی به‌عنوان مهد تمدن‌ها و فرهنگ‌های ملل مختلف بشری محسوب می‌گردند. آگاهی از این مزیت و بهره‌مندی از آن، می‌تواند در راستای ترویج و اشاعه هویت ایرانی - اسلامی از سوی کاربران جامعه ما مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت، با این ابزار می‌توان در پاسخ به جنگ نرم دشمن، از

ابزار مقابله‌ای در جهت آشنا نمودن کاربران این شبکه‌ها با فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی بهره برد (محکم کار و حلاج، ۱۳۹۳: ۷۸). بنابراین با توجه شبکه‌ها و رسانه‌ها به عنوان عوامل تسهیل‌کننده سیاست‌های بازیگران و گسترش‌دهنده به دیپلماسی عمومی، بازیگران روابط بین‌الملل، رویکرد فعال، مبتکرانه و انتخاب‌گر را در فرایند جهانی‌شدن در دستور کار قرار داده‌اند. در این میان، انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری بر قاعده‌مندی‌ها و جریان‌های بین‌المللی، تأکید بر عدالت‌گرایی و نفی تبعیض، انسانی‌تر کردن، منصفانه کردن و عادلانه کردن فضای جهانی و نیز افشای ماهیت سلطه‌طلبانه و غیرانسانی و غیراخلاقی گفتمان غالب بر روابط بین‌الملل، بر ضرورت عرضه کالاهای عظیم فرهنگی و پیام‌های درخور توجه در تمدن اسلامی تأکید ورزیده است. انقلاب اسلامی ایران ضمن تأکید بر لزوم آگاهی از ابزارها و تکنیک‌های تبلیغی کارآمد و به‌روز، بر مخاطب‌شناسی برای موفقیت در عرصه تبلیغات و اهتمام به شناخت تازه از آموزه‌ها و فرهنگ‌های دیگر و کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت در جهان چندفرهنگی امروز پای می‌فشرد (حسینی و مبینی، ۱۳۹۲: ۵۱).

۳-۵. راه‌اندازی دیپلماسی عمومی در شبکه‌های اجتماعی

واقعیت آن است که در جهانی که همه از اطلاعات اشباع هستند، آنچه از اهمیت برخوردار است اطلاعات نیست، بلکه توجه ماست و این توجه طبیعتاً به سمت اطلاعات معتبرتر جلب می‌شود. در این میان، در عصر اطلاعات بازیگری می‌تواند سردمدار دنیای سیاست باشد که در عرصه اعتمادسازی در دنیا پرچمدار باشد. چرا که مشروعیت یک پیام، بخش مهمی از قدرت نرم آن را تشکیل می‌دهد و جذابیت آن به قدرت قطعی آن می‌افزاید. در این میان پیروزمند کسی است که دارای اعتبار است و بتواند با بهره‌گیری از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه وجهه‌ای مطلوب و مناسب به انتقال درست پیام با تکیه بر ساختارهای غیرمادی از جمله اجتماعی، هنجاری و ارزشی و نهادی و عوامل زمینه‌ای چون دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی مبادرت ورزد. از این‌رو شایسته است وجود نرم‌افزاری قدرت بین‌المللی انقلاب اسلامی در به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب مورد مذاقه قرار گیرد (حسینی و مبینی، ۱۳۹۲: ۵۱). به راحتی می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران خود یک نرم‌افزار است.

انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری به‌ویژه ارزش‌هایی چون ایشار، شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، حق‌گرایی، سلطه‌ستیزی و استقلال‌طلبی توانست ضمن ایجاد

تحول فرهنگی در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند. در واقع، انقلاب اسلامی با حمایت از مسلمانان، نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش توانست به احیای مجدد تمدن اسلامی در عرصه بین‌الملل همت گمارد. این انقلاب توانست به‌عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی در جهان نوین و با تبیین پیام وحدت و قدرت جهان اسلام چهره حقیقی قدرت نرم‌افزاری خود را بر جهانیان بنمایاند و با پیام معنوی و اخلاقی خود به عنوان انقلابی نیرومند در معادلات جهانی مؤثر باشد و با گشودن جبهه‌ای سوم در نظام بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های جهانی، نظم نوین نرم‌افزاری را در روابط بین‌الملل رقم زند (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۵). به نظر می‌رسد این وضعیت برای یافتن نسل نوینی از هویت اسلامی می‌تواند تداوم یابد. برای آغاز کار می‌توان از سطح تحلیل منطقه‌ای برای افزایش پرستیز و اعتبار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بهره برد.

مهمترین ابعاد سطح تحلیل منطقه‌ای قدرت نرم را می‌توان در مواردی شامل: بازسازی تمدن اسلامی و احیای تاریخ تمدن و هویت فرهنگی، تاریخی و اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، مقبولیت و محبوبیت منطقه‌ای، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، تحقیر رژیم صهیونیستی در منطقه، الگوی مقاومت بسیج، توسعه و تحکیم عمق استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه، شکست طرح‌های استکباری در منطقه، تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی در منطقه و... جستجو کرد (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۵). در عصری که اطلاعات و حمایت‌های رسانه‌ای بخش مهمی از هویت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، راه‌اندازی دیپلماسی عمومی توسط شبکه‌های اجتماعی در جهت افزایش اعتبار و وجهه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی می‌تواند گام مؤثری برای تربیت هویت اسلامی تلقی شود.

۴-۵. دفاع از «دیگری» و نفی همسان‌سازی فرهنگی

یکی دیگر از کاربردهای شبکه‌های اجتماعی در جهت ساختن هویت نوین اسلامی می‌تواند دفاع از فرهنگ اسلامی به عنوان دیگری «متفاوت» در کنار سایر فرهنگ‌های جهانی باشد.

بدین منظور تلاش برای مقابله با همسان‌سازی فرهنگی توسط رسانه‌های غربی می‌تواند راهکار مؤثری در این زمینه باشد. چه این که برخی متفکران این ایده را مطرح کردند که فرهنگ غربی به وسیله رسانه‌ها درصدد همسان‌سازی فرهنگی و از بین بردن خرده‌فرهنگ‌ها است. به بیانی دیگر، بنابراین صنعت فرهنگ [رسانه‌ها] مصرف‌کنندگان خود را از بالا به پایین یکپارچه و همگون می‌سازد (Adorno, ۱۹۹۱: ۱). به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب فرهنگی که ابعاد معنوی قابل توجهی در عصر تسلط سرمایه‌داری از خود بروز داده است، به یک نحو می‌تواند در مقابل همسان‌سازی رسانه‌های غربی قد علم کند و نماینده تحول‌خواهی و معنویت طلبی تلقی شود. برساختن هویت نوین توسط شبکه‌های اجتماعی می‌تواند فرهنگ همسان‌ساز رسانه‌های غربی را تا حدود زیادی به چالش بکشد.

در حقیقت انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب فرهنگی در کنار هدف‌هایی همچون عدالت و آزادی، تلاش برای ارتقای اخلاق و معنویت، می‌تواند با مدیریت کارآمد خود، قوی‌ترین وجه قدرت نرم نظام محسوب گردد. توانایی ایران در تولید ادبیات فراگفتمانی در حوزه‌های ایرانی اسلامی با استفاده از هویت فرهنگی الهام‌بخش ایرانیان، عنصر تعیین‌کننده در تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی است که از ثمرات آن افزایش مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی است؛ و عنصر مشروعیت نیز منجر به ظرفیت‌سازی‌های نوین برای هویت فرهنگی کشور خواهد بود. بنابراین درخشش ایران اسلامی در حوزه‌های ملی، منطقه‌ای و تمدنی و الهام بخشی مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانی-اسلامی از جمله منابع قدرت نرم است که دافع توطئه‌ها و تهدیدات جنگ نرم معاندان نظام خواهد بود. امروزه جمهوری اسلامی منبع عظیم و دست‌ناخورده‌ای از اقتدار نرم، برخاسته از هویت فرهنگی است که مدیریت هوشمندانه‌ی آن می‌تواند هم تحکیم‌بخش امنیت ملی و عمق‌بخشی داخلی انقلاب اسلامی و هم منبع پایان‌ناپذیر در عمق‌بخشی خارجی گفتمان انقلاب اسلامی باشد (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۹۴). در نهایت اینکه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با فاصله گرفتن از گفتمان رسمی حاکم بر جهان که همانا تبلیغ ارزش‌ها و هنجارهای لیبرال سرمایه‌داری است، به بسط و شکل‌گیری هویت نوینی در چارچوب انقلاب اسلامی بپردازند.

۶. نتیجه‌گیری

امروزه قدرت نرم بخش بزرگی از شاکله‌های قدرتمندی دولت‌ها را دربر می‌گیرد. به طوری که

منابع فرهنگی، رسانه‌ای، نظام آموزشی و ارتباطات بخش بزرگی از قدرت معاصر را تشکیل می‌دهند. بنابراین قدرت از شکل سخت‌افزاری خود خارج شده و مؤلفه‌های جدیدی بدان افزوده شده که تحت عنوان قدرت نرم از آن یاد می‌شود. شبکه‌های اجتماعی به عنوان شکل متأخر رسانه‌ها نقش قابل توجهی در شکل‌دهی به قدرت نوین دارند و به همین دلیل مورد توجه دولت‌ها و حتی بازیگران غیردولتی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران در دهه چهارم خود از جهات متعددی به دنبال افزایش اقتدار ملی و اعتبار بین‌المللی و منطقه‌ای خود است. این امر نیازمند بازسازی گفتمان انقلاب اسلامی در پرتو نیازها و مسائل دنیای جدید است. بهره‌گیری کاربران ایرانی که سهم قابل توجهی در شبکه‌های اجتماعی دارند، می‌تواند به عنوان فرصتی بی‌بدیل برای ارتقای گفتمان انقلاب اسلامی به کار گرفته شود.

با توجه به اینکه قدرت نرم ریشه در عناصری نظیر فرهنگ‌ها و ارزش‌های یک جامعه دارد، توسعه و ترمیم آن و پیوندزنی آن‌ها با قدرت سخت می‌تواند به افزایش توانمندی گفتمان انقلاب اسلامی در دهه چهارم بیفزاید. به علاوه شرایط مدرن و گسترش شبکه‌های اجتماعی ایجاب می‌کند که ادبیات جدیدی در بسط گفتمان انقلاب اسلامی پدید آید تا با تنوع‌بخشی و جذب مخاطبان نوپا (نسل چهارم انقلاب) جذابیت‌های لازم برای آنان پدید آید. به نظر می‌رسد الگوسازی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌تواند توسط شبکه‌های اجتماعی و با انتقال منابع قدرت به نسل نوین انقلاب اسلامی قابل‌دستیابی باشد. چنان‌چه گفته شد انقلاب اسلامی ایران خود به مثابه بزرگترین نرم‌افزار است که با تکیه بر معنویت‌گرایی، شهادت‌طلبی، فرهنگ مقاومت و ظلم‌ستیزی می‌تواند جایگاه مطلوبی در بین نسل جدید و چهارم انقلاب اسلامی پیدا کند. انتقال فرهنگ نرم‌افزاری انقلاب اسلامی مستلزم مقبول واقع‌شدن و عبور از مشروعیت داخلی به سطح منطقه‌ای و سپس به سطح جهانی است.

شبکه‌های اجتماعی در دهه‌چهارم انقلاب اسلامی ایران می‌توانند به‌عنوان مهمترین بازوی تولید قدرت نرم و همچنین بُعد فرهنگی سرمایه اجتماعی به کار گرفته شوند. از آن‌جمله که افزایش سرمایه اجتماعی نیازمند برقراری اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف جامعه است. اعتماد اجتماعی از دو جهت می‌تواند باعث افزایش قدرت نوین انقلاب اسلامی شود؛ یکی اعتماد عمودی (یعنی افزایش اعتماد عمومی میان مردم و رابطه آن‌ها با یکدیگر) با تکیه بر گفتمان برادری و برابری انقلاب اسلامی و دومی اعتماد افقی (یعنی افزایش اعتماد میان مردم و مسؤولان و کم کردن فاصله‌های طبقاتی، سیاسی و ...). به نظر می‌رسد در این صورت و با تکیه

شبکه‌های اجتماعی و درکی نوین از هویت انقلاب اسلامی ۵

بر گفتمان معنویت‌گرایی و مردم‌سالاری مندرج در انقلاب اسلامی و توسعه قانون اساسی در جهت رفع مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نسل جدید می‌توان از شبکه‌های اجتماعی به عنوان فرصتی برای شکوفایی انقلاب اسلامی در عصر گسترش رسانه‌ها بهره برد.

منابع:

الف: منابع فارسی

- آدمی، علی (۱۳۹۶)، جایگاه سرمایه اجتماعی در بستر قدرت نرم با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)، دو فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال هفتم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۹۶.
- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۸)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، مؤلف جان ال. اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیر شانه چی، چاپ سوم، تهران، نشر باز.
- اطهری و عباسی شاهکوه، حسین و مهدی (۱۳۹۳)، «کنشگر» و «کنش پذیر» در بیداری اسلامی: از منظر گفتمان امام خمینی، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۹۳.
- پک، جانیس (۱۳۸۹)، تحلیل روان‌شناسانه از دین در جهان رسانه‌ای شده، در بازاندیشی دربارهٔ رسانه، دین و فرهنگ نوشته استوارت هور و نات لاندبای، ترجمه مسعود آریایی نیا، چاپ سوم، تهران، نشر سروش.
- حسینی و مبینی، سید محمد و عبدالله (۱۳۹۲)، تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی قدرت نرم انقلاب اسلامی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ششم، شماره ۲، تابستان ۹۲.
- خرمشاد و متقی، محمدباقر و افشین (۱۳۹۵)، نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۹۵.
- دیواین، فیونا (۱۳۹۰). «تحلیل کیفی»، در روش و نظریه در علوم سیاسی، ویراستاران: دیوید مارش و جری استوکر، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رایبی، فرهنگ (۱۳۸۸)، ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی: صدور فرهنگی انقلاب در انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، مؤلف جان ال. اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیر شانه چی، چاپ سوم، تهران، نشر باز.
- رهبر و دیگران، عباسعلی (۱۳۹۴)، قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۴، پاییز ۹۴، (شماره پیاپی ۴۴).

- رهبرقاصی و ایمانیان مفرد، محمدرضا و زینب (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی هویت ملی، دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال هفتم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۹۶.
- روشندل اربطانی و دیگران، طاهر (۱۳۹۳)، روندهای محیطی مؤثر بر آینده رسانه ملی در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال بیستم، شماره ۵۴، تابستان ۹۳.
- ساروخانی و دیگران، باقر (۱۳۹۷)، تبیین جامعه‌شناختی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه‌پذیری سیاسی جوانان شهر تهران (سال ۱۳۹۶)، مجله جهانی رسانه، دوره ۱۳، شماره ۱.
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۲)، قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۹۲.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۹۶)، رسانه، آوردگاه قدرت هوشمند داعش، نشریه فرهنگ و رسانه، سال ششم، بهار ۹۶.
- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، ویراسته علی پایا، نشر طرح نو.
- کاوسی و کاظمی، اسماعیل و حسنا (۱۳۹۲)، نقش تحرک اجتماعی سیاسی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری بعد فرهنگی سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال هشتم، شماره بیست و سوم، زمستان ۹۲.
- کفاشی و فلاحی، مجید و علی (۱۳۹۳)، تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر تهران، دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیست و یکم، شماره دوم (پیاپی ۵۶)، پاییز و زمستان ۹۳.
- کگلی و ویتکف، چالز دلیوو اوجین آر (۱۳۸۲)، سیاست خارجی امریکا (الگوها و روندها)، ترجمه اصغر دستمالچی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- محرمی، توحید (۱۳۹۷)، آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی، دو فصلنامه- مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۷.
- محکم کار و حلاج، ایمان و محمد مهدی (۱۳۹۳)، فضای مجازی، ابعاد، ویژگی‌ها و کارکردهای آن در عرصه هویت با محوریت شبکه‌های اجتماعی مجازی، معرفت، سال بیست و سوم، شماره ۲۰۱، شهریور ۹۳.

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷
-
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۵۹)، صحیفه نور، جلد ۱۹، سخنان معظم له در جمع اعضای هیات تحریریه مجله سروش، ۱۵/۱۰/۱۳۵۹.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، جلد‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۲۱، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲)، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی.
- نای، ژوزف (۱۳۸۹)، قدرت‌نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل)، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، ژوزف (۱۳۹۰)، گفت‌وگوی اینترنتی با ژوزف نای؛ مبدع نظریه قدرت‌نرم، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، ماهنامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره ۴، دی ۹۰، صص ۱-۱۵.
- نای، ژوزف (۱۳۸۶)، قدرت‌نرم: ابزار موفقیت در سیاست‌جهان، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۶.
- نش، کیت (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- هورسفیلد، پیتر جی (۱۳۸۹)، تحول دین در عصر همگرایی رسانه‌ای، در بازان‌دیشی دربارهٔ رسانه، دین و فرهنگ نوشته استوارت هوور و نات لاندبای، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، چاپ‌سوم، تهران، نشر سروش.
- ویلیامز، کوین (۱۳۸۶)، درک تئوری رسانه، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ‌اول، تهران، نشر ساقی.

ب: منابع لاتین

- Adorno, Teodor, w (۱۹۹۱), Cultural industry reconsidered (from the Cultural Industry; Selected Essays on mass culture), London; Routledge.
- Quan Li and Drew Schaub. (۲۰۰۶). Economic Globalization

and Transnational Terrorism: A Pooled Time-Series Analysis, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. ۴۸, No. ۲.

- Kimberly, Gross, Aday, Sean Brewer, Paul R (۲۰۰۴), A Panel Study of Media Effects on Political and Social Trust After ۱۱September, Sage, No۴(۲۰۰۴).

- Fotoui, E. (۲۰۱۰). "Smart Power and U.S. Turkish Relations". Expert Advisory Group (EAG). Retrieved ۳۰ April ۲۰۱۰, URL: www.kas.de/wf/doc/kas_۱۸۷۹۳-۵۴۴-۲-۳.

- Nye, Joseph. (۲۰۰۲). *The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone*. New York: Oxford University Press.

- Nye, Joseph. S. (۲۰۰۴), *Soft Power: The Means To Success in World Politics*, (New York: PublicAffairs).

- Young, Iris Marion (۱۹۹۶), *communication and the other: beyond deliberative democracy in book democracy and difference, contesting the boundaries of the political*, editing by "seylabenhabib", printed in the united states of America.

- Heywood, Andrew (۱۹۹۷), *Politics*, London: Macmilan.

- Groll, E. (۲۰۱۵, August). *Al Qaeda Is Losing the Battle for Jihadi Hearts and Minds*. *Foreign Policy* . Retrieved from losing-battle-jihadi-hearts-minds-zawahiri-tape/
<https://foreignpolicy.com/۲۰۱۵/۰۸/۱۹/alqaeda>.